

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: فرید پرواز
نویسنده: فریبرز مسعودی
۲۶ اگست ۲۰۱۳

پریزم، ناتوی اقتصادی و مدیریت جهان

درست در گرماگرم تشکیل ناتوی اقتصادی پروژه عظیم جاسوسی امریکا علیه مقامها و شهروندان اتحادیه اروپا فاش می‌شود. موضوع جاسوسی صنعتی یکی از پیش پا افتاده ترین ابعاد این پروژه عظیم جاسوسی است. این در حالی است که همه قدرتهای اقتصادی برتر اروپا از جمله المان، فرانسه، هالند و ایتالیا به تشکیل ناتوی اقتصادی به عنوان طرحی که می‌تواند رقیبان آنها را در بریکس میخ کوب کرده و به رشد اقتصادی اروپا بیفزاید سخت امید بسته‌اند به طوری که صدر اعظم المان اعلام کرده هیچ چیز باعث نخواهد شد در مذاکره برای تشکیل ناتوی اقتصادی که در هفته آینده در بروکسل انجام خواهد شد، خلل وارد شود. اقتصاددانان و سیاستمداران اروپا و امریکا تا این جای کار بسیار در مدح این اتحادیه فرا اقیانوس اطلسی گزافه گفته‌اند و اما واقعاً چه رابطه‌ای می‌تواند میان تشکیل ناتوی اقتصادی و پروژه جاسوسی پریزم وجود داشته باشد؟

نام ناتو علاوه بر تداعی نام تهاجمی پیمان ضد کمونیستی اتحادیه اتلانتیک شمالی یک مفهوم دیگر را در ذهن‌ها یادآوری می‌کند و آن هم تحمیل برتری همه جانبه امریکا بر اروپا در سال‌های جنگ سرد پس از جنگ دوم جهانی است. در این سال‌ها امریکا با تکیه بر نیروی نظامی به پشتوانه نیروی عظیم اقتصادی دست نخورده خود توانست برای سال‌های دراز بر اروپا تسلط داشته و هژمونی خود را بر جهان سرمایه‌داری به رخ بکشد. طرفداران ناتوی اقتصادی بر این اعتقاد هستند که با تشکیل این اتحادیه به دلیل وجود پیمان نفتا میان امریکا و کانادا این کشور نیز عملاً در این اتحادیه عظیم فرا اقیانوسی حضور خواهد داشت و با پیوستن احتمالی استرالیا به آن کلکسیون دولت‌های قدرتمند کامل خواهد شد تا در برابر قدرت یابی کشورهای برزیل، چین، روسیه، آفریقای جنوبی و هند بایستد. تا این جای کار می‌توان از تشکیل ناتوی اقتصادی این برداشت را هم داشت که امریکا همراه اروپا همچنان در پی حفظ سروری و اعمال هژمونی خود بر جهان هستند. اما اعمال این هژمونی در جهان کنونی ابعاد دیگری را نیز دارا است که همواره از دیرباز مورد توجه قدرت‌های بزرگ امپریالیستی بوده است ولی اینک با تغییر در فناوری ارتباطات در شکل تغییر کرده است. پروژه جاسوسی عظیم پریزم توجه ما را به سمت ضرورت برتری و

تسلط بر مسیرهای ستراتژیک که اینک نه تنها راه‌های آبی و خاکی و هوایی و لوله‌های انتقال انرژی، بلکه دنیای مجازی مانند شبکه اینترنت را شامل می‌شود، جلب می‌نماید.

در واقع امپریالیسم که در پشت تعریف‌ها و تعبیرهایی چون جهانی سازی چهره پنهان کرده است به شکل‌های نوی برای ادامه تسلط و برتر از آن اعمال هژمونی خود بر جهان متشبث شده است. امپریالیسم امریکا از دهه‌های پس از پایان جنگ دوم و مشخصاً از سال‌های دهه ۸۰ میلادی ۴ شیوه مشخص را برای حفظ هژمونی خود اعمال کرد:

سلطه نظامی و ژئواستراتژیک: مانند دو جنگ خلیج فارس، اشغال افغانستان و عراق، یورش به بالکان و نابودی یوگسلاوی و از طریق ناتو و غیره

سلطه مالی: استفاده از ابزارهایی هم چون بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و SWIFT که بی‌عضویت در این نهاد امکان هیچ گونه مبادله پولی توسط هیچ کشوری امکان پذیر نخواهد بود. اگر چه مرکز این نهاد در اروپا (بلژیک) است اما در این نهاد هر سرمایه یک رأی دارد و در حالی که بیش‌ترین سرمایه‌ها متعلق به بانک‌های امریکائی و سپس بریتانیائی است و یکی از دو سرور بزرگ پشتیبانی‌کننده ارتباطی آن در خاک امریکا است عملاً قدرت این نهاد در ید امریکا است. در آخرین اقدام SWIFT با فشار امریکا به تحریم مالی ایران دست زده که آثار آن به خوبی در ایجاد بحران مالی کشور دیده می‌شود.

سلطه علمی و فناوری: با اعمال قراردادهای عمومی مانند حق کپی رایت و قانون مالکیت و حق اختراعات و اکتشاف‌های علمی، فنی

سلطه بر منابع انرژی: همان گونه که جلوتر نیز اشاره شد از طریق سلطه و کنترل منابع انرژی (نفت و گاز) و مسیرهای ترانزیت انرژی.

سلطه فرهنگی: از طریق کنترل و سلطه بر رسانه‌های همگانی و گروهی در درون خاک امریکا و بیرون آن، سینمای هالیوود، شبکه‌های ماهواره‌ای، برنامه‌های موسیقی و جشنواره‌های هنری و فرهنگی، و این آخری شبکه روز به روز گسترش‌یافته اینترنت.

اما همان گونه که مشاهده می‌شود امپریالیسم برای اعمال سلطه بی‌چون و چرای خود به ابزار جدیدی دست یافته است و آن هم تسلط و کنترل گردش اطلاعات است.

در واقع امریکا با اجرای پروژه پرریزم تسلط بی‌چون و چرای خود را بر دنیای مجازی که زمانی از آن به عنوان انقلاب تکنولوژیک برای دسترسی ارزان توده‌های تهیدست جهان پیرامونی به دانش و فن پیشرفته و ابزاری برای اعمال و گسترش دموکراسی یاد می‌شد، نشان داد. همچنین این پروژه که هم چون کوه یخی فقط نوک قله آن بیرون از آب افتاده است نشان داد که امریکا با تکیه بر دانش و قدرت مالی خود به آسانی توانسته است از تک تک مردم جهان مراقبت کند. این مراقبت می‌تواند استقلال و اساس سایر کشورها را به موضوعی مسخره تبدیل کند. هم چنان که تا کنون گوشه‌هایی از ابعاد این جاسوسی افشاء شده امریکا به راحتی توانسته و خواهد توانست بر کلیه معاملات بزرگ کمپانی‌های بزرگ با دولت‌های جهان در هر گوشه و کناری نظارت داشته و هر گونه که بخواهد آن‌ها را هدایت کند. به گفته جولیان آسانژ بازی بزرگ جدید، جنگ بر سر خط لوله نفت نیست. این جنگ بر سر جریان اطلاعات است: یعنی کنترل بر سر خط کابل‌های فیبر نوری که در زیر دریا و روی زمین کشیده شده است. گنجینه جدید جهانی همانا به دست گیری کنترل جریان غول‌آسای اطلاعاتی است که کل قاره‌ها و تمدن‌ها را به هم متصل کرده و حلقه ارتباطی میلیاردها انسان و سازمان‌ها می‌باشد.

پروژه پریزم اعمال مدیریت بر جهان از طریق مراقبت و پایش دقیق و گسترده توده‌های مردم و رهبران و سیاستمداران و کنشگران اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، احزاب و اتحادیه‌ها و سندیکاها هم هست. دولت امریکا به این طریق خواهد توانست دولتمردان این یا آن کشور کوچک و بزرگ را در جهت منفعتهای خود مدیریت کرده و به افکار عمومی جهان سمت دهد.

پریزم همراه با ناتوی اقتصادی یعنی مدیریت بر جهان!

برگفته از «مهرگان» شماره هفده